



صفحه ۷
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

زندگی یخچالی (قسمت دوم)

آنچه گذشت: من که کارگر یک فروشگاه لوازم خانگی بودم، از ترس مدیر فروشگاه که نمی دانست من شب ها آنجایی خوابم، در یخچالی پنهان شده بودم که آن یخچال را فرستادند برای پیرمردی بداخلاق و کم بینا که مرا داخل یخچال نمی دید. ولی قفل کودک آن را بعد از استفاده فعال می کرد!

ادامه ماجرا: چند روز گذشت و من فرصتی برای فرار پیدا نکردم. با آن سرمایه نظر چیزی تا پایان زندگی ام باقی نمانده بود. باید اعتراف کنم که خودم مقصر این وضعیت بودم. مادرم برای کارگری به خانه پولدارها می رفت و من را هم با خودش می برد. همیشه داوطلب تمیز کردن یخچال می شدم، یخچال هایی که با خوراکی های رنگ و وارنگی که داشت، بیشتر تلویزیون رنگی QLED بود تا مثل خانه ما. کمدا! کسی هم تعداد میوه ها را قبل و بعد از نظافت یخچال نمی شمرد! همیشه آرزو می کردم که ما هم چنین یخچالی داشتیم. ولی نمی دانستم این گونه آرزویم برآورده می شود. داخل یخچالی گیر کرده بودم که نمی دانستم محتویاتش را چه جوری باید خورد! خدایا، این موز است یا بادمجان؟! وقتی آن را خوردم و هسته اش را به زور از گلویم پایین دادم، فهمیدم نه موز بود، نه بادمجان!

البته قبلا فرصتی پیش آمده بود که بتوانم خودم چنین خانه و یخچالی داشته باشم. چون قبل از کارگری در فروشگاه، به مرحله



ایجو، مگفتن مجتبی نغمی راد

جمال حسین زاده، دبیر انجمن صنایع فراورده های گوشتی:
حجم گوشت در سوسیس و کالباس به ۲۵ درصد هم رسیده است و ما برای ارزان تر شدن ناچار به این کار هستیم.



وزیر صمت:
خودروهای دست دوم وارداتی تا ۲۵ سال بعد هم نمی رسند و ما برای اینکه یک نانی سر سفره خودروسازان داخلی بگذاریم، مجبور به این کار هستیم



وزیر راه و شهرسازی:
اقساط وام مسکن را ۲۵ نفر هم نمی توانند بپردازند، ولی ما برای خالی نبودن عریضه مجبور به این کار هستیم.



رئیس سازمان محیط زیست:
هوای پاک به کمتر از ۲۵ روز در سال رسیده و ما برای تولید برق، مجبور به مازوت سوزی هستیم



وزیر ارتباطات:
سرعت اینترنت به کمتر از ۲۵ بایت در سال هم رسیده است و ما برای توجیه گرانی، ناچار به این کار هستیم.



رئیس سازمان صدا و سیما:
تعداد تکرار سریال ها به ۲۵ بار رسیده است و ما برای پر کردن آنتن مجبور به این کار هستیم.

